



تحلیل و بررسی تهدیدات و فرصت‌های سیاسی - امنیتی مهاجران افغانستانی

برای جمهوری اسلامی ایران

سید صالح موسوی^۱، عباس کشاورز شکری^۲

۳۰

دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۰

پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۴/۱۹

صص: ۲۲۷-۱۹۱

شابا چاپ: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

مهاجرت در دنیای امروز به مسئله‌ای جهانی تبدیل شده که توجه بسیاری از رشته‌های علمی را به خود جلب کرده است. مهاجرت اتباع دیگر به کشور مقصد تبعات زیادی برای کشور مذکور می‌تواند داشته باشد. مهاجرت افغانها تحت عنوان فرصت و تهدید تبعات زیادی بر کشورمان در ابعاد مختلف داشته است. با توجه به اینکه در سالهای گذشته شاهد مهاجرت موج زیادی از اتباع افغانستان در کشورمان بوده ایم و از سوی دیگر نیز این مهاجران تهدیدات و فرصت‌هایی برای کشورمان ایجاد کرده‌اند، مطالعه و بررسی این مساله ضروری می‌نماید. بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال است که تهدیدات و فرصت‌های سیاسی - امنیتی مهاجرت اتباع افغانستانی، برای جمهوری اسلامی ایران چگونه تحلیل می‌شود؟ یافته‌های تحقیق حاکی از پیامدهای منفی مانند افزایش قاچاق مواد مخدر و انسان، افزایش گروهها و عملیات تروریستی در کشور، تشمت ایدئولوژی و افزایش هرج و مرج در مناطق مرزی و دیگر نقاط کشور و نیز فرصت‌هایی مانند افزایش ظرفیت‌های دیپلماتیک و روابط سیاسی با افغانستان و دیگر کشورها و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای و افزایش قدرت سیاسی و دیپلماتیک و در نتیجه افزایش قدرت کشورمان در منطقه می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات و جمع‌آوری داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امنیت، ایران، افغانستان، اتباع خارجی، مهاجرت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی) دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

keshavarz@shahed.ac.ir

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

امنیت سیاسی؛ ناظر بر ثبات سازمانی دولتها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت میبخشد. تهدیداتی که جنبه سیاسی دارند می‌توانند ثبات و امنیت یک کشور را به خطر بیندازند. در واقع در بعد امنیت سیاسی یک کشور هم با تهدیدات سیاسی داخلی و هم خارجی روبه‌رو می‌شود. یک سری از این تهدیدات مربوط به اشخاص است و در واقع به خاطر محدودیت‌هایی است که حکومت برای آنها در نظر گرفته است. با ادامه این محدودیت‌ها تلاش‌هایی صورت می‌گیرد تا این سیاست‌ها را تغییر دهند. و همین امر موجب ایجاد جنبش‌هایی در راستای خودمختاری و استقلال شده در نتیجه ثبات سیاسی کشور را با تهدید مواجه می‌کند. و یک سری دیگر تهدیدات خارجی هستند در این زمینه کشور می‌تواند متاثر از ایدئولوژی‌های کشورهای دیگر با خطر مواجه شود. از سوی دیگر همین تهدید خارجی به راحتی قابل تبدیل به تهدید داخلی نیز می‌باشد (Buzan, 1998: 83). مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد. در رابطه با مهاجرت افغانستان باید گفت مشکلات ناشی از وجود این مهاجران قانونی و غیرقانونی، مدیریت و کنترل حضور آنها و مباحثی مانند نگرش کشور میزبان به آنها و بحث بازپس فرستادن آنها و... باعث شکل‌گیری یک منشأ اضطراب سیاسی در روابط افغانستان با سایر همسایگانش باشد، که ایران نیز از این تبعات سیاسی و امنیتی استثناء نیست (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۷۹). صرف نظر از برخی تأثیرات مثبت یا منفی مهاجرت‌های بین‌المللی که در همه کشورها کم و بیش قابل مشاهده است، به نظر می‌رسد رابطه مهاجرت و امنیت ملی رابطه متناقض‌نمایی باشد. به عبارت دیگر مهاجرین بین‌المللی را می‌توان برای کشور مبدا و مقصد هم فرصت و هم تهدید دانست. در این میان برنامه‌ها و استراتژی‌های کشورهاست که تهدید یا فرصت بودن این پدیده را تفسیر میکند. بنابراین از آنجا که مهاجرت اتباع افغانستانی برای کشور ما هم باعث تهدید و هم فرصت شده است؛ در این پژوهش تهدیدات و سپس فرصت‌های سیاسی این مهاجران را برای برای جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌کنیم.

۱- امنیت سیاسی:

در یک نگاه کلی هرگاه سخن از امنیت به میان می آید، آنچه در ذهن خطور میکند امنیت جان و مال است؛ در حالیکه برای یک جامعه پویا و سالم امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و... مطرح می‌باشد و لازم است که حکومت امنیت جامعه را در همه ابعاد تأمین است. بر همین اساس امنیت را میتوان به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد که در اینجا بعد سیاسی آن مدنظر است. امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنها میباشد. نظام سیاسی در راستای امکانبخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، میبایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر آنها را فراهم آورد و هیچکس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند. در واقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هر چند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد. به تعبیری امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون بدیهی است چنین امنیتی هرگز در حکومت‌های خودکامه (استبدادی) ایجاد نخواهد شد. در

حقیقت بین امنیت و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی رابطه معکوسی وجود دارد؛ هر قدر حکومتها خودکامه تر باشند آزادی کمتر، خشونت بیشتر و در نتیجه امنیت سیاسی کمتر خواهد بود. ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و در اصل ناظر به وجود توازنی بین «خواستهای مردمی» از یکسو و «کارویژه های حکومتی» از سوی دیگر میباشد (رهبر، سوری، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

در حوزه امنیت سیاسی شاید برجسته ترین ابعاد امنیت سیاسی، بحث حاکمیت و نهادهای برآمده از آن باشد. همواره تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. ایده دولت، به خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازماندهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، اهداف عادی تهدید سیاسی به

شمار می‌روند. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدید سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس انگیز باشد. تهدید سیاسی از افکار و ستنهایی که توجیه اصلی آنارشی بین‌المللی محسوب می‌شود، ناشی می‌گردد. نظر به بنیادی بودن تعارضات این ایدئولوژیها، دولتی که طرفدار یکی از آنهاست از جانب سایرین احساس تهدید میکند. رقابت بین ایدئولوژیها، بسیار پیچیده است. این امر، تعریف دقیق تهدید جدی سیاسی در سطحی را که شایسته عنوان امنیت ملی باشد، با مشکل مواجه می‌سازد؛ در این بین، تهدیدات هویت ملی واضحت‌تر است. این نوع تهدید شامل تلاش برای گسترش جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروهها در کشور هدف است (اسماعیل زاده امامقلی، احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۱). اما در مورد امنیت سیاسی باید گفت برخی نظریه پردازان با رویکردی فرهنگی به آن می‌نگرند. شده است. و اکثر نظریه پردازان معنای نظامی و اقتصادی آن را مطرح می‌کنند. به عقیده ماندل با دو معیار می‌توان امنیت سیاسی را تحلیل کرد:

❖ میزان اقتداری که دولت‌ها و ایدئولوژی‌های آنها و حکومت‌هایشان

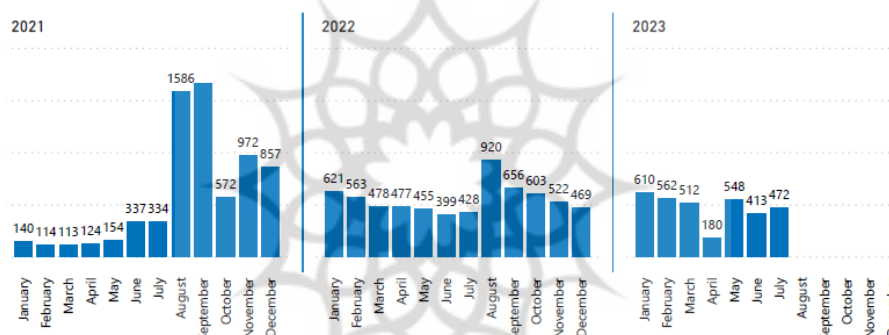
❖ میزان همزیستی و انسجام و تحمل هویت‌های فرهنگی و سستی در بین ملت‌ها

از نقطه نظر ماندل مهمترین روابط امنیت سیاسی - فرهنگی بین مسایل زیر و ایجاد آشتی دو مقوله متفاوت از هم است: آزادی داخلی و تحمل چندگانگی و در واقع کثرت اندیشی حاکمیت و نظم. بنابراین حمایت گسترده و وسیع از حقوق سیاسی، آزادی افراد و حقوق فرهنگی، تعیین سرنوشت و خودمختاری گروههای مختلف یا حفظ انسجام در داخل کشورها تعارض پیدا می‌کند. و تدریجاً نفوذ ماقابل جوامع افزایش پیدا می‌کند. تاثیر عقاید غیر بومی زیاد شده و در نتیجه ارزش‌ها و راهبردها سیاسی و فرهنگی زیر سوال می‌روند. و در نهایت باعث ایجاد شکاف در بین مردم و ایجاد چالش نسبت به حاکمیت و دولت و انسجام فرهنگی می‌شود (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۵۱-۱۴۷). امنیت سیاسی نقطه مقابل تهدید سیاسی است. تهدید سیاسی عموماً به عنوان زمینه ساز سایر تهدیدها و یا مکمل آنها نیز عمل میکند. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خارجی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم موجودیتی سیاسی باشد (عارفی مسکونی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). در مورد مهاجرانی که به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند باید گفت این عامل می‌تواند به عنوان تهدید سیاسی قلمداد شود. مهاجرانی که به کشور مقصد پناهنده میشوند، می‌توانند از قلمرو کشور مذکور برای فعالیت‌های

نظامی و مسلحانه علیه کشور خودشان بهره ببرند و در واقع پاسخگوی این فعالیت ها کشور میزبان خواهد بود. همچنین پناهندگان سیاسی امکان دارد سعی کنند تا کشور میزبان را برای به عهده گرفتن رهبری و انجام چنین فعالیت هایی متقاعد کنند و همچنان در این موارد کشور میزبان باید نسبت به کشوری که مهاجران از آنجا مهاجرت کرده اند پاسخگو باشند. (Buzan, 1998: 76).

۱- ورود مهاجران از افغانستان به ایران بعد از به قدرت رسیدن طالبان:

میزان مهاجرت از افغانستان به ایران از ماه آگوست سال ۲۰۲۱ که طالبان قدرت را در اختیار گرفت، رشد کرد اما این موج مهاجرتی به مرور کندتر شد. برای مقایسه روندهای ورود مهاجران افغان به ایران بعد از طالبان نمودار زیر را ملاحظه فرمایید.



۲- میزان ورود غیر مجاز اتباع افغانی به ایران:

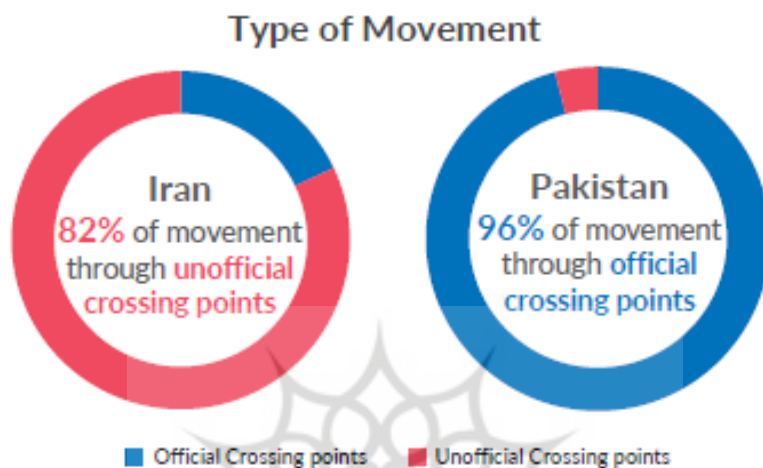
در نیمه اول سال ۲۰۲۳ حدود ۲۳۳۰۰۰ افغان با مدارک معتبر مسافرتی به ایران رفتند. میانگین تردد روزانه ۱۲۸۸ نفر بود. از اواسط ماه مه تا پایان ژوئن، تقریباً ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ افغانی فاقد مدرک (عمدتاً مردان مجرد و گروه های کوچک خانواده) از طریق گذرگاه های غیررسمی به صورت هفتگی به ایران رفته اند. گزارش کمیساریا نشان می دهد حدود ۸۲ درصد از تردهای افغانستانی ها به ایران از گذرگاه های رسمی و به صورت غیرقانونی صورت می گیرد. در حالی که حدود ۹۶ درصد تردها به پاکستان از گذرگاه های رسمی و به شکل قانونی انجام می گیرد. میزان تردهای مجاز و غیرمجاز افغانستانی ها به کشورهای همسایه

گزارش‌ها حاکی از آن است که همه جابجایی‌ها از طریق گذرگاه‌های غیررسمی توسط قاچاقچیان تسهیل شده است. چالش‌ها در اخذ گذرنامه و ویزا به دلیل شلوغی دفاتر گذرنامه ملی و سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌های مربوطه و وخامت اوضاع اقتصادی، همچنان توانایی افراد را برای دریافت مدارک محدود می‌کند و ممکن است افراد بیشتری را به سمت کانال‌های جابه‌جایی غیرقانونی ترغیب کند. هزینه جابجایی تسهیل شده توسط قاچاقچیان بین ۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ افغانی (۳۵ تا ۷۰ دلار) برای هر نفر متغیر است. این در حالی است که در سال ۲۰۲۲ هزینه قاچاق هر نفر بین هزار تا ۱۰ هزار افغانی بود (۱۰ تا ۱۰۰ دلار) (سلیمی، ۱۴۰۲).

۴- اتباع افغانستانی در ایران طبق طرح‌های شناسایی و سرشماری اتباع افغانستانی تا سال ۱۴۰۰:

در طول سال‌های پس از انقلاب، تعداد مهاجرین افغانستانی در کشور افزایش یافته است. اما آمار رسمی از تعداد دقیق آنها در کشور ایران وجود ندارد. براساس پیش‌بینی کمیساریا در سال ۲۰۲۰ حدود دو میلیون مهاجر فاقد مدرک در ایران حضور داشته‌اند که بخش عمده آنها را کارگران فصلی تشکیل می‌دادند. اما پس از بحران‌های ناشی از سقوط دولت افغانستان در آگوست ۲۰۲۱ و مهاجرت خیل عظیمی از اتباع افغانستانی به ایران این تعداد افزایش یافته است اما اکنون آمار مشخصی از آنها در دسترس نیست. مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ در گزارشی تعداد مهاجرین قانونی افغانستانی در ایران را یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر، حدود ۹۶ درصد کل اتباع خارجی در ایران اعلام نمود. همچنین بر اساس گزارش‌های منتشر شده توسط کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) در ایران، از مجموع جمعیت سه میلیونی اتباع افغانستانی در ایران، ۷۸۰ هزار پناهنده، ۲،۱ تا ۲،۲۵ میلیون مهاجر فاقد مدرک و ۵۸۶ هزار نفر دارای گذرنامه هستند و توزیع جغرافیایی اتباع افغانستانی در ایران تحت تاثیر قانون ممنوعه برای اتباع خارجی در ایران قرار دارد که بر اساس این قانون سکونت و تردد در برخی استانها ممنوع می‌باشد. با این وجود تعداد اتباع افغانستانی در مناطق شهری ایران یک میلیون و ۲۴۲ هزار و ۳۳۲ نفر و در مناطق روستایی ایران ۳۴۰ هزار و ۹۶۸ نفر است. ۷۸،۵ درصد اتباع افغانستانی در مناطق شهری و ۲۱،۵ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. ضمن اینکه سکونت گاه‌هایی مختص پناهندگان در ایران تحت عنوان

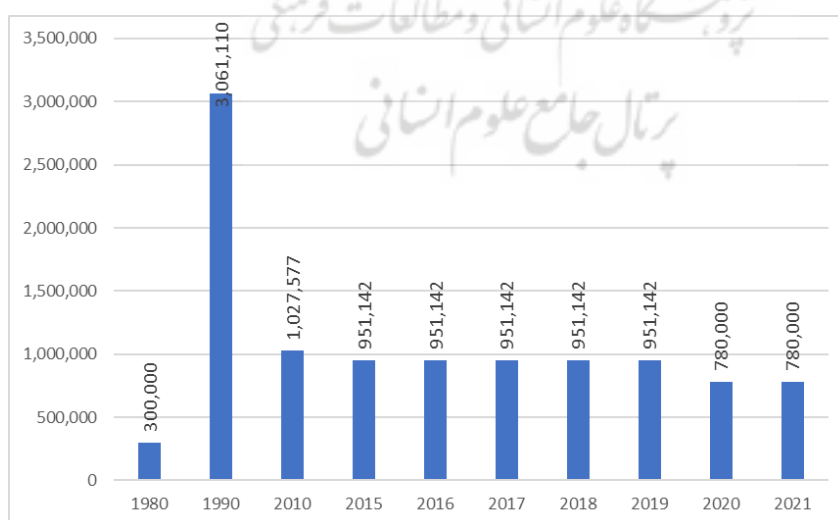
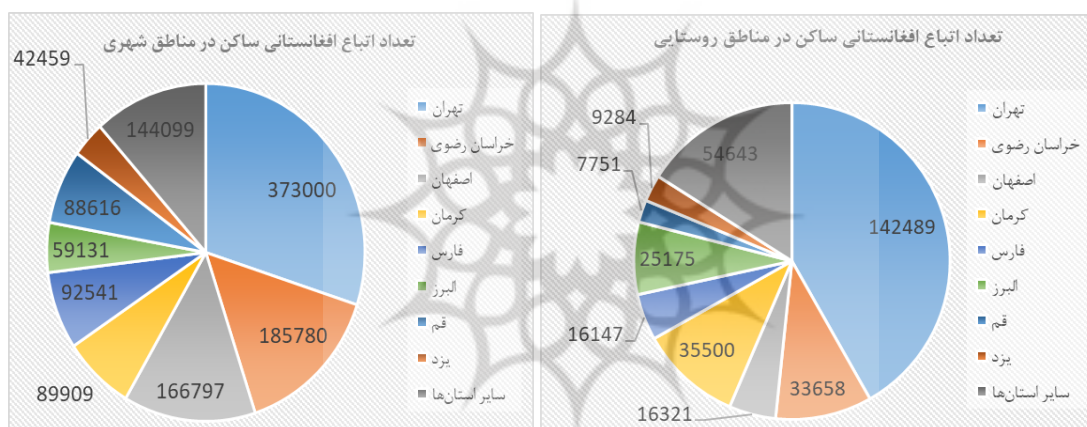
مهمانشهر وجود دارد که عده‌ای از پناهندگان افغانستانی از زمان مهاجرت به ایران، در این مکان‌ها زندگی می‌کنند.



تعداد پناهندگان افغانستانی در ایران (۱۹۸۰-۲۰۲۰)
به نقل از رصد خانه مهاجرت ایران ۱۴۰۰ (UNHCR Data Finder, retrieved 28 May 2021)
منبع:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعداد اتباع افغانستانی ساکن در مناطق شهری و روستایی به تفکیک استان در سال ۱۳۹۵
 منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، به نقل از رصدخانه مهاجرت ایران ۱۴۰۰)



۵- آمار اتباع افغانستانی در ایران بعد از استقرار طالبان در افغانستان:

دکتر جهانبخش کارشناس پژوهش های مجلس در میزگرد خبری با موضوع چالش های افزایش حضور اتباع افغانستانی در ایران در رابطه با آمار دقیق کنونی این اتباع در کشور بیان کرد: ما آمار دقیقی در این زمینه نداریم و آمارها همه براساس حدس و گمان است. از ۵ میلیون تا ۶، ۷ میلیون گفته می شود. در دوره اخیر که طالبان از سال ۱۴۰۰ مجدداً مستقر شد، قطعاً ما با سیل مهاجرت مواجه شده ایم. آخرین سرشماری که در مورد مهاجران افغانستانی انجام شده، سال گذشته، از فروردین تا تیر ماه ۱۴۰۱ بوده است. مرکز ملی آمار ایران هم در سال ۱۳۹۵ گفته بود ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر مهاجر افغانستانی دارای مدرک اقامتی در ایران هستند. ۷۶۰ هزار نفرشان کارت آمایش دارند، ۴۰۰ هزار نفر دارای پاسپورت هستند و این ها را وقتی با هم جمع می کنیم حدود ۴ میلیون نفر دارای مدرک اقامتی تا ۱۴۰۱ بودند. (ایرنا، ۱۴۰۲). تعداد اتباع مهاجر افغانستانی طبق سرشماری که در سال ۱۳۹۵ شکل گرفت در مقایسه با سرشماری بعد که از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ صورت گرفت با رقم قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. آمار مربوطه در جداول زیر قابل مشاهده و گویای افزایش این تعداد مهاجرین از سال ۱۳۹۵ تا کنون می باشد.

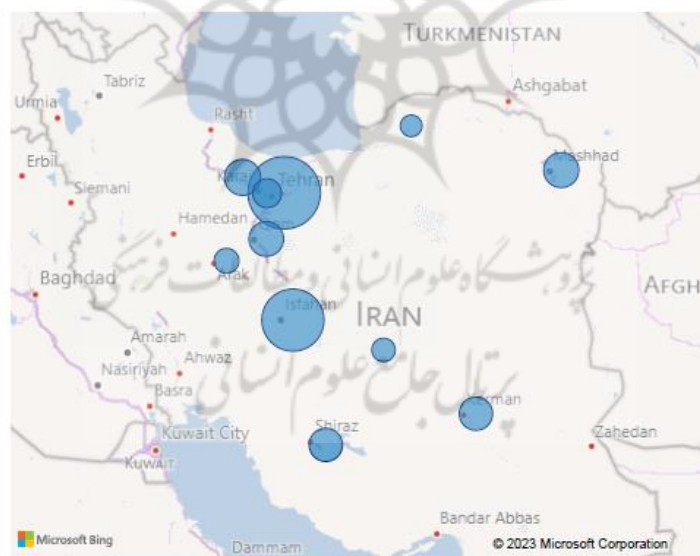
جمعیت تقریبی مهاجرین اتباع افغانستان در ایران طبق سرشماری نفوس مسکن سال ۱۳۹۵

(منبع: مرکز آمار ایران. دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری سالنامه آماری کشور سال ۱۳۹۵)

ردیف	نام استان	درصد مهاجرین افغان	آخرین سرشماری استان
۱	اصفهان	۱۱	۱۸۳۱۲۴
۲	البرز	۵	۸۴۳۲۱
۳	تهران	۳۳	۵۱۵۵۶۷
۴	خراسان رضوی	۱۴	۲۱۹۴۴۲
۵	کرمان	۸	۱۲۵۴۱۱
۶	فارس	۷	۱۰۹۲۴۷
۷	قم	۶	۹۶۳۶۷
۸	یزد	۳	۵۱۷۴۳
۹	سایر	۱۳	۱۹۸۷۵۷
	جمع کل	۱۰۰	۱۵۸۳۹۷۹

ردیف	نام استان	درصد مهاجرین افغان	جمعیت تقریبی مجاز و غیر مجاز
۱	اصفهان	۶	۳۳۰۰۰۰
۲	البرز	۷	۳۸۵۰۰۰
۳	تهران	۲۸	۱۵۴۰۰۰۰
۴	خراسان رضوی	۱۲	۶۶۰۰۰۰
۵	کرمان	۱۱	۶۰۵۰۰۰
۶	فارس	۶	۳۳۰۰۰۰
۷	قم	۶	۳۳۰۰۰۰
۸	یزد	۶	۲۷۵۰۰۰
۹	سایر	۱۸	۹۹۰۰۰۰
	جمع کل	۱۰۰	۵۵۰۰۰۰۰

درصد تقریبی مهاجرین اتباع افغانستان در ایران بعد از سرشماری ۱۳۹۵ تا سال ۱۴۰۱ (منبع: مرکز آمار ایران. دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری سالنامه آماری کشور سال ۱۳۹۵)



۶- توزیع جغرافیایی محل سکونت اتباع افغانستانی در ایران:

میزان پراکندگی اتباع افغانستانی در ایران یکسان نیست و همان گونه نقشه نشان می‌دهد استان‌هایی مانند تهران، خراسان رضوی، اصفهان، البرز، قم، کرمان و فارس جمعیت بیشتری از مهاجران افغان را در خود جای داده‌اند.

۷- کارت آمایش اتباع افغانستانی طبق داده‌های اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی

وزارت کشور:

یکی از شرایطی که این مهاجران می‌بایست داشته باشند، دریافت کارت آمایش به منظور حضور در ایران می‌باشد. کارت آمایش به عنوان گذرنامه موقت است که امکان زندگی برای مهاجران افغانستانی‌ها را در ایران فراهم می‌سازد. پس از انجام فرایند ثبت نام کارت آمایش جدید افغانی ۱۴۰۲ و دریافت این کارت، اتباع افغان می‌توانند در ایران همانند سایر شهروندان به زندگی ادامه داده و حق و حقوق یکسانی داشته باشند. در غیر این صورت، حضور آن‌ها در این کشور غیر قانونی به شمار می‌آید و پیگرد قانونی خواهد داشت. کارت آمایش مدرکی مبنی بر اقامت قانونی اتباع افغان در ایران می‌باشد که به صورت دوره‌های یکساله تمدید می‌شود. دارندگان این کارت می‌توانند از حقوق شهروندی در ایران استفاده کرده و به زندگی خود به راحتی ادامه دهند. این در حالیست که افراد بدون کارت آمایش سراسر در استرس بوده و امکان دیپورت شدن آن‌ها نیز بسیار بالاست. همان طور که قبلاً اشاره شد، تنها دارندگان کارت آمایش می‌توانند از مزایای اقامت در ایران استفاده کنند. بخشی از مزایای دریافت کارت آمایش شامل پیدا کردن شغل مناسب آن‌ها، استفاده از خدمات بیمه و بهداشت، تحصیل در مدارس و دانشگاه‌های ایران و سایر موارد این چنینی می‌شود. طرح آمایش ۱۷ توسط اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور ایران، به منظور دریافت

بروزرسانی اطلاعات آماری و تعداد پناهندگان افغانستانی در کشور در سال گذشته انجام شد. آمار آمایش اتباع خارجی مجاز از سال ۹۵ الی ۱۴۰۱ (منبع خبری اداره کل اتباع و وزارت کشور)

سال	نام استان	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱

106241	103786	105342	106240	107349	107815	109527	اصفهان	۱۳۹۵
29674	29354	29578	29762	29976	30392	30668	البرز	۱۳۹۶
211935	210469	212761	213826	219424	219272	219178	تهران	۱۳۹۷
126048	122075	122339	134	128078	126662	120177	خراسان رضوی	۱۳۹۸
62946	60416	59917	78	62210	61421	58120	کرمان	۱۳۹۹
56413	54740	55014	55078	56116	56117	54438	فارس	۱۴۰۰
56493	55591	55805	56431	57513	57780	58073	قم	۱۴۰۱
29738	28701	28976	28631	28969	28865	26393	یزد	۱۴۰۲
۹۶۱۰۵	۹۵۷۱۵	۹۷۱۷۳	۲۸۵۰۲۲	۸۸۹۹۴	۹۶۶۴۶	۵۸۱۲۱	سایر	
۷۷۵۵۹۳	۷۶۰۸۴۷	۷۶۶۹۰۵	۷۷۵۲۰۲	۷۸۸۵۲۹	۷۷۴۹۷۰	۷۶۱۶۹۵	جمع کل	
۵۴۰۳۷۴۱							مجموع آمار آمایش از سال ۹۵ الی ۱۴۰۱	

۸- اخراج افغانستانی‌ها از ایران:

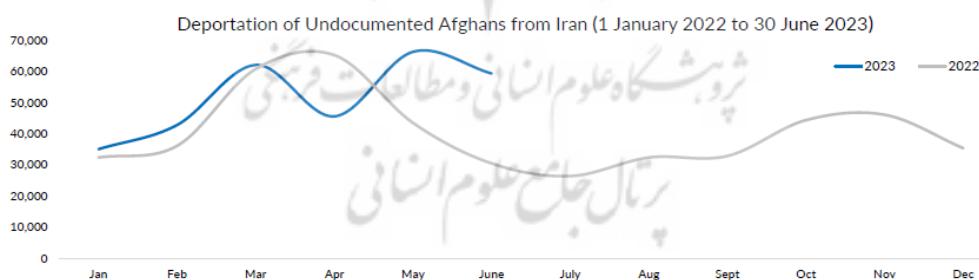
در ارتباط با آمار اخراج، یکی از منابع قابل استناد گفته‌های فرماندهان مرزبانی جمهوری اسلامی ایران است. در تازه‌ترین اظهارات، سردار مجید شجاع فرمانده مرزبانی خراسان رضوی در تاریخ ۹ دی ماه گفته است که در یک ماه گذشته بیش از ۶۰ هزار نفر مهاجر افغانستانی از مرزهای این استان اخراج شده‌اند. همچنین در تاریخ ۶ آذر، مطابق با گفته ایشان، "۲۴ هزار ۸۸۴ نفر از اتباع کشور افغانستان که به صورت غیرمجاز در داخل کشور حضور داشتند، طی ۱۰ روز گذشته شناسایی و توسط مرزبانان استان در نقطه صفر مرزی از منطقه دوغارون به نماینده کشور افغانستان تحویل داده شدند." همچنین وی در مهر ماه اعلام کرد: "حدود ۳۲۸ هزار مهاجر افغانستانی که به صورت غیرقانونی طی نیمه نخست امسال در ایران حضور داشتند، از مرزهای این استان اخراج شدند." در همین راستا، سردار احمد گودرزی، فرمانده مرزبانی فراجا در تاریخ ۱ آبان ۱۴۰۲ اعلام کرد که در هفت ماه نخست ابتدای سال ۷۳۸ هزار و ۷۴۹ نفر از اتباع که به شکل غیرقانونی وارد کشور شده بودند، از کشور طرد شدند. «احمد وحیدی» وزیر کشور نیز در تاریخ ۸ آذر ماه سال جاری اعلام کرد که تاکنون ۴۰۰ هزار نفر از اتباع غیرقانونی به کشور خود بازگشت داده شده‌اند. او تاکید کرد

قوانین بازدارنده کافی برای جلوگیری از بازگشت مهاجران غیرقانونی اخراج شده نداریم و باید تمهیداتی اندیشیده و این مساله را حل کنیم". از سویی علی اصغر بلوکیان، مدیر کل امور اتباع و مهاجران خارجی سازمان ملی مهاجرت در تاریخ ۲ آبان اعلام کرده است که "از سال ۱۳۹۶ تا نیمه اول سال ۱۴۰۲ حدود ۵ میلیون نفر از اتباع خارجی از ایران اخراج شده‌اند. این آمار شامل کسانی است که یا دستگیر شدند و به صورت اجباری از کشور اخراج شده‌اند یا کسانی که خودشان را به مقامات مربوطه معرفی کردند و داوطلبانه خواهان خروج از کشور شدند. او همچنین اظهار داشت که در سال ۱۴۰۱ بیش از یک میلیون نفر را اخراج نموده است. در ۶ ماه نخست سال جاری نیز آمار اخراج‌ها بیش از ۵۵۸ هزار مورد است. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که بخش قابل توجهی از مهاجران غیرقانونی بصورت داوطلبانه و با معرفی خود به کشورشان باز می‌گردند. وزارت مهاجران و عودت‌کنندگان در تاریخ ۱۱ آذر ماه سال جاری از بازگشت بیش از ۸۰۰ هزار مهاجر افغان از ایران در بیش از یک سال گذشته به کشور خبر داده است. وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان در تاریخ ۱۳ آذر ماه امسال اعلام کرد که در یک ماه حدود ۱۳۴ هزار افغانستانی از ایران به افغانستان بازگردانده شده‌اند که بصورت اجباری یا داوطلبانه بوده است. علاوه بر این سخنگوی وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان طالبان نیز آمار بازگشت مهاجران از افغانستان به ایران در سال ۱۴۰۱ را ۸۲۰ هزار نفر اعلام کرد که ۴۰۰ هزار تن به گونه اجباری و بقیه به درخواست خودشان بازگشته‌اند. همانطور که روشن است، در زمینه ارقام بیان شده از تعداد مهاجران اخراجی و بازگردانده شده اجماعی وجود ندارد و آمارهای موجود بسیار پراکنده و غیرمنسجم است (دهدار، ۱۴۰۲). همان طور که گفته شد در نیمه اول سال ۲۰۲۳ حدود ۳۱۰ هزار تبعه افغانستانی از ایران اخراج شده‌اند. این بدین معناست که روزانه حدود ۱۷۱۶ نفر از ایران اخراج شده‌اند. میزان اخراج‌ها در این بازه زمانی، در مقایسه با بازه زمانی مشابه در سال ۲۰۲۲، حدود ۱۶ درصد بیشتر است. در میان اخراج شدگان اتباع شرکت کننده در طرح سرشماری سال ۱۴۰۱ و حتی بعضاً پناهندگان دارای کارت آمایش هم حضور داشتند. در نمودار زیر روندهای اخراج افغانستانی‌ها از ایران در سال‌های ۲۰۲۲ و نیمه اول سال ۲۰۲۳ مقایسه شده است. اخراج شدگان از ایران مطابق آمار کمیساریا بیش از ۴۵ درصدشان برای بار نخست بوده که به ایران مهاجرت کرده‌اند. ۲۴ درصد بار دوم، ۱۱ درصد بار سوم و ۲۰ درصد هم بیش از سه بار به ایران رفته‌اند (سلیمی، ۱۴۰۲). جدول زیر بیانگر تعداد مهاجرین طرد شده از کشور می باشد. داده ها

حاکمی از افزایش تعداد طرد شدگان به طور کلی از سال ۹۵ تا سال ۱۴۰۲ می باشد. اما همانگونه که پیداست در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ این آمار در بعضی از استانها کاهش یافته اما در سال ۱۴۰۰ روند افزایشی محسوسی داشته ولی در سال ۱۴۰۱ در بعضی استانها مانند البرز، اصفهان، کرمان و یزد

سال	نام استان	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
۱۳۹۵	اصفهان	49756	41473	53824	56739	47837
۱۳۹۶	البرز	6400	5220	5938	5295	4121
۱۳۹۷	تهران	285177	205491	190360	257754	331950
۱۳۹۸	خراسان رضوی	105197	160121	131808	191373	239881
۱۳۹۹	کرمان	39983	48538	68394	104335	57754
۱۴۰۰	فارس	48713	33017	37322	57365	61951
۱۴۰۱	قم	5947	2696	3468	7668	7505
۱۴۰۲	یزد	27221	29343	34820	42998	39246
	سایر	۲۶۱۴۵۴	۱۸۰۹۱۰	۲۱۸۳۴۰	۳۶۸۵۴۲	۲۷۵۵۶۹
	جمع کل	829848	706809	744274	1012069	1065805
مجموع آمار طرد از سال ۹۷ الی ۱۴۰۱		۴۳۵۸۸۰۵				

دوباره سیر نزولی به خود گرفته است. نمودار نیز این روند را به خوبی نمایش می دهد.



آمار طرد اتباع خارجی غیر مجاز از سال ۱۳۹۵-۱۴۰۰ (منبع خبری اداره کل اتباع و مهاجرین وزارت کشور)
روندهای اخراج افغانستانی‌ها از ایران

۹- آمار مذهبی اتباع خارجی و ترکیب آنها در استانهای ایران:

به لحاظ مذهبی باید گفت اتباع افغانستانی عموماً یا سنی مذهب هستند یا شیعه. اما پراکندگی و ترکیب این دو مذهب در استانهای کشور به صورت یکنواخت نبوده و هریک از استانهای کشور پذیرای بخشی از این دو مذهب می‌باشند. طبق آمار تقریبی از مذهب اتباع خارجی در کشور داده‌های اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی بر اساس ترکیب مذهبی این اتباع در استانهای مختلف بر اساس جدول زیر برآورد شده است. طبق این آمار استان تهران بیشترین تعداد مهاجرین و بالاترین تعداد مهاجرین شیعه را به خود اختصاص داده است در حالی که استان خراسان رضوی با بیشترین تعداد مهاجرین بعد از تهران در رتبه دوم قرار دارد و البته دارای بالاترین تعداد اتباع سنی نیز می‌باشد. استان قم رتبه نخست در پذیرش اتباع شیعه و کمترین تعداد مهاجرین سنی را در بین استانهای کشور دارد. استان یزد آخرین استان از بین این استانها از نظر تعداد مهاجرین افغانستانی و البته تعداد بالاتر مهاجرین سنی نسبت به شیعه می‌باشد.

آمار تقریبی مذهب اتباع خارجی (منبع خبری: اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور)

ردیف	نام استان	جمعیت تقریبی اتباع و مهاجرین خارجی	درصد شیعه	درصد سنی	جمعیت اتباع شیعه	جمعیت اتباع سنی
۱	اصفهان	۳۳۰۰۰۰	۶۵	۳۵	۲۱۴۵۰۰	۱۱۵۵۰۰

۲۰۰۲۰۰	۱۸۴۸۰۰	۵۲	۴۸	۳۸۵۰۰۰	البرز	۲
۶۱۶۰۰۰	۹۲۴۰۰۰	۴۰	۶۰	۱۵۴۰۰۰۰	تهران	۳
۷۹۲۰۰	۵۸۰۸۰۰	۱۲	۸۸	۶۶۰۰۰۰	خراسان رضوی	۴
۳۷۱۱۰۰	۲۲۹۹۰۰	۶۲	۳۸	۶۰۵۰۰۰	کرمان	۵
۲۳۱۰۰۰	۹۹۰۰۰	۷۰	۳۰	۳۳۰۰۰۰	فارس	۶
۳۳۰۰۰	۲۹۷۰۰۰	۱۰	۹۰	۳۳۰۰۰۰	قم	۷
۱۷۳۲۵۰	۱۰۱۷۵۰	۶۳	۳۷	۲۷۵۰۰۰	یزد	۸
۵۶۴۳۰۰	۴۲۵۷۰۰	۵۷	۴۳	۹۹۰۰۰۰	سایر	۹
۲۴۴۲۵۰۰	۳۰۵۷۴۵۰			۵۵۰۰۰۰۰	جمع کل	

۱۰- تهدیدات مهاجران افغانستانی برای امنیت سیاسی ایران

به صورت کلی مهاجرت در قالب چند عامل می‌تواند به صورت کلی برای تمام کشورها و به صورت خاص برای کشورمان در مورد پناهندگان افغان تهدید ساز باشد که در ادامه به تشریح و توضیح آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱ نفوذ پذیری مرزها

باید گفت به شکل کلی هدفهای امنیت ملی را به چهار دسته تقسیم میکنند:

- حفظ استقلال و تمامیت ارضی

- تحقق رفاه و ثبات سیاسی کشور

- حفظ و اشاعه ارزشهای ملی و اعتقادی

فراهم کردن امکانات فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی با توجه به اهمیت منافع وجودی، حیاتی، اساسی، حاشیه‌ای. مرز سیاسی به پدیده‌ای اطلاق میشود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده است و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد میکند (لطفی، ۱۳۹۸: ۹۲). در مورد مهاجرت و تهدید سیاسی مرزها عامل بسیار مهمی قلمداد می‌شوند. مهاجرت به عنوان یک پدیده انسانی دارای پیامدها و بازتاب‌هایی میباشد. یکی از این پیامدها ارتکاب جرم و ایجاد اختلال در امنیت سرزمینی و ملی کشور محل اقامت

مهاجرین میباشد، به عبارت دقیقتر، مهاجرت‌های بین‌المللی بخصوص مهاجرت‌های غیرقانونی دارای بازتابها و پیامدهای مختلف جزائی، امنیتی اند که علل یابی این امر در نفوذپذیری مرزها و افزایش تردهای غیرمجاز، قاچاق مواد مخدر، گسرتش تروریسم، فعالیت باندهای تبهکار و مافیایی، سوءاستفاده از نیروی کار مردان خارجی و همچنین سوءاستفاده جنسی از زنان مهاجر، جاسوسی و فعالیتهای ضد امنیتی، برهم خوردن ترکیب قومی-مذهبی کشور میزبان، تهدید و تنزل منابع طبیعی و ظرفیتهای زیست محیطی، رواج بیماری‌های خطرناک و غیره به عنوان بخشی از مهمترین پیامدهای جزایی، سیاسی و امنیتی مهاجرتها به خصوص مهاجرت‌های غیرقانونی در عرصه‌های بین‌المللی هستند (صفاری راد، نارگانی، ۱۳۹۰: ۵۰). اما باید اذعان کرد مهمترین پیامد این پدیده را از بعد امنیت سیاسی می‌توان تاثیر مخرب آن را بر امنیت مرزها دانست. این مهاجرت‌ها به دلیل اینکه اکثرا به صورت غیرقانونی شکل می‌گیرد باعث می‌شود ورود و خروج مهاجران از طریق مرزهای زمینی و دریایی صورت بگیرد و در نتیجه باعث ناامن شدن این مرزها می‌شوند (مک داویل، ۱۳۸۴: ۵). ورود و خروج غیرقانونی مهاجران، سبب پایین آمدن ضریب امنیت در مرزها میشود و مشکلات امنیتی و سیاسی بسیاری برای کشور ایجاد میکند. علاوه بر این گسترش هرج و مرج در مرزها کنترل مرزها را دشوارتر کرده و دولت میبایست هزینه زیادی برای تأمین امنیت این مناطق بپردازد (حاتمی، ۱۴۰۰: ۱۳). امنیت ملی ج.ا. شامل حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی بقای حکومت، جغرافیای ارضی و حمایت، حفاظت و دفاع از مرزها و تمامیت ارضی، رضایت شهروندان و دفاع از اعتقادات و آداب و رسوم جامع ایرانی است. یکی از ابعاد مهم حفظ امنیت کشورها در گرو امنیت مرزهای آن کشور است. و با توجه به موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی کشور جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که امنیت مرزهای کشور از اهمیت خاصی برخوردار است (برزگر، میرساردو، ۱۳۹: ۲۴۳). با توجه به از بین رفتن زمینه‌های تولید مواد مخدر در داخل اعم از کشت و یا تبدیل تریاک به هرویین و ورود تمامی این مواد از خارج کشور، مسأله مرز و مواد مخدر از یکدیگر جدایی ناپذیرند. حفظ امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن، یکی از شاخصهای امنیت هر کشوری محسوب میشود و افزایش قاچاق مواد مخدر ب‌هیچند صورت امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن را تهدید میکند. علیرغم رشد و توسعه فناوری، حفاظت و کنترل مرزها، همچنان مرزهای زمینی، هوایی و دریایی کشورها نفوذپذیر است. پیچیده شدن حمل و نقل و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، ترانزیت مواد مخدر و پیامدهای آن، گرایش سیاسی دولتها و همکاری عوامل بومی، محلی، منطقه‌ای با

باند‌های قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، تولید حدود ۸۰٪ تریاک مصرفی جهان در افغانستان و انتقال آن به سایر کشورها، توسط قاچاقچیان بین‌المللی حکایت از نفوذپذیر بودن مرزها دارد. علیرغم هزینه‌های فراوان ملی و بین‌المللی در راستای تقویت، تجهیز و تسلیح عوامل انسانی، انتظامی و مرزبانی به امکانات پیشرفته و تکنولوژی روز و انسداد مرزها، قاچاقچیان بین‌المللی نیز مجهز و سازمان یافته شده و قاچاق و ترانزیت انواع مواد مخدر در همه کشورها گسترش یافته است (عارفی مسکونی، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

مساله مهاجرت و مهاجرانی که صورت غیر قانونی شکل می‌گیرد یکی از موضوعات مهم در مباحث امنیتی کشورهاست. می‌توان گفت این پدیده بیش از سایر پیامدها تاثیر مخربی بر امنیت مرزها می‌گذارد. و امنیت مرزها را دچار اختلال می‌کند (مک داویل، ۱۳۸۴: ۵). اما در مورد مرزهای شرقی کشورمان که طی سالهای اخیر به دلیل ورود مهاجرت اتباع افغانستانی به داخل کشور باید گفت عامل اصلی را می‌توان در بی‌ثباتی و ناامنی افغانستان (از سال ۱۳۸۵ تا کنون) جستجو کرد که به ورود بیش از سه میلیون مهاجر قانونی و غیر قانونی طی ۳۰ سال اخیر به داخل و رسوخ آنان به عمق کشور انجامید. به گونه‌ای که هم اینک اغلب استان‌های کشور از این پدیده به حضور غیر مجاز اتباع افغان تاثیر پذیرفته‌اند. فرایند گفته شده حاکی از آن است که طی دهه‌های گذشته تا کنون، امنیت مرزهای پهناور شرق، جنوب شرق عمیقاً با مساله تردها و مهاجرت غیر قانونی به ویژه داخل گره خورده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۳۶). بنابراین با توجه به اینکه مرزهای کشور ایران با تعداد ۱۵ کشور همسایه معمولاً دستخوش تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی و ایجاد چالش‌هایی در بعضی از نقاط مرز گردیده بخصوص مرزهای شرقی ایران با کشورهای پاکستان و افغانستان به دلیل وجود شرایطی چون فقر و محرومیت مرزنشینان و بی‌ثباتی سیاسی و تنش‌های سیاسی پی‌درپی، فقدان چتر حاکمیتی فراگیر و رواج فضای هرج و مرج و بی‌قانونی در بخش زیادی از مناطق مرزی، حضور و فعالیت گروه‌های مسلح تروریستی همچون طالبان و القاعده و کارتل‌های مواد مخدر در افغانستان، گروه‌های معاند، قاچاقچیان و اشرار و... یکی از مناطق بحران خیز و آسیب‌پذیر مرزی کشور محسوب می‌شود، که باعث ایجاد زمینه‌های تردهای غیرقانونی و مهاجرت و در مراتب بعدی باعث ایجاد بحران‌های اقتصادی و ناامنی در سطوح بالاتر می‌شود. در سالهای اخیر توجه به مرز و سیاست کنترل مرزها به علت پیامدهای اجتماع‌ی،

سیاسی و خسارتهای اقتصادی ناشی از ضعف کنترل به عنوان یکی از دغدغه های اصلی متولیان امور مرزی مطرح شده و اهمیت زیادی یافته است. (همان، ۱۳۱).

۱۰-۲- قاچاق مواد مخدر:

قاچاق مواد مخدر، بزرگترین جرم بزرگترین جرم با ابعاد بین المللی است که خود منشأ بسیاری از جرائم دیگر است. عبور و مرور غیر مجاز از مرزها، حمل اسلحه و ارتکاب قتل و جنایت برای حفظ و انتقال موفق مواد، گروگان گیری، پول شویی، خروج ارز غیر مجاز، سرقت، ایجاد رعب و وحشت توسط قاچاقچیان مسلح و ... از جمله مصادیق این جرائم است که ضمن وقوع آنها امنیت و احساس امنیت اجتماعی شهروندان به شدت تحت تأثیر قرار میگیرد. (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۵: ۷۶). افغانستان به عنوان کشوری که اولین قطب تولید کننده مواد مخدر به شمار میرود. هم مرز بودن افغانستان با استان خراسان رضوی، دارای بار امنیتی و سیاسی برای استان مذکور می باشد. مرز ایران و افغانستان به دلیل وضعیت خاص سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مرزنشینان همواره از پرحادثه ترین مرزهای مشترک ایران با کشورهای همسایه بوده است. از عوامل عمده نا امنی و بروز حوادث مختلف مرزی، تجاوزهای هوایی، و زمینی، درگیری های مسلحانه با اشرار و قاچاقچیان، راهزنی و سرقت های مسلحانه، آدم ربایی و تررهای غیر قانونی در مرز می باشد (روشن، سعادت جعفر آبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). هم اکنون نیز باید گفت برای دولت های امروزی، امنیت مرزی را نمیتوان تنها بر صیانت از مردم و کشور در برابر تجاوز نیروهای نظامی بیگانه تلقی نمود، بلکه با توجه به شکل جدید که جهان به خود گرفته و تحولاتی که رخ داده است، در دهه های اخیر، تهدیدات مرزی جنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و غیره به خود گرفته است. در همین راستا شاهد تبدیل شدن مسئله مهاجرت و پناهندگی به یک تهدید مرزی و موضوعی امنیتی در گفتمان دولت ها می باشیم و به تعبیر دیگر کنترل مرزها از حفاظت نظامی از حاکمیت کشور به کنترل و ایمن سازی جامعه در برابر جریان جمعیت های غیرمنتظره مثل پناهندگان تغییر شکل یافته است (Spyrou & Christou, 2014: 13).

بنابر تحقیقات به عمل آمده بسیاری از قاچاقچیان بین المللی مواد مخدر نخست قاچاقچیان و حاملان تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کالاهای کوچک در مناطق مرزی کشور بودند که به تدریج به سودآوری و سهولت و امکان و راهکارهای قاچاق مواد مخدر پی

برده، و بدان روی آورده اند؛ در صدد ایجاد ناامنی در عمق کشور و دامن زدن به تعارضات سیاسی و مذهبی به ویژه در مناطق مرزی است (عارفی مسکونی، ۱۳۹۸: ۱۱۴). کارشناسان می‌پندارند که گروه‌های تروریستی به آرامی حضور خود را در مبادلات پرسود مواد مخدر افزایش داده اند و از درآمد حاصل از آن برای گسترش فعالیت‌هایشان استفاده می‌کنند. پول به دست آمده از مواد مخدر به این گروه‌ها، امکان خرید سلاح تجهیزات، استخدام نیروهای جدید کاری، دادن رشوه به مأموران و برپا کردن شبکه ارتباطات وسیع و خانه های امن را میدهد. با این امکانات، تروریستها، حملات بیشتری را برنامه ریزی و اجرا میکنند. همچنین فرضیه ای که قاچاق غیرقانونی مواد مخدر به حرکت تروریسم کمک میکند، در سیاست مبارزه با مواد مخدر بازتاب داشته است. افزایش تقاضای مواد مخدر در بلندمدت، باعث افزایش قیمت مواد میشود و منافع مالی بالاتری را به بازیگران استخدام شده در مبادلات قاچاق مواد مخدر هدیه میکند که شامل حرکات تروریستی هم میشود. این موضوع باعث مهیا شدن شرایط برای فعالیت تروریستها با منابع مالی کافی برای ادامه حرکات خرابکارانه و افزایش حملات میشود، در حالی که افزایش هزینه ها کمتر از افزایش منافع مالی حاصل از کشت مواد مخدر است (شیخ غفوری، ببری گنبدی، دهشیار، ۱۳۹۹: ۴۲).

در مورد ایران باید گفت همسایه های شرقی ایران مانند افغانستان از دولت های ضعیف و سستی تشکیل شدند که توانایی تامین امنیت ملی را ندارند. از یک سو این کشور یکی از تولید کنندگان بزرگ مواد مخدر بوده و از سوی دیگر به دلیل عدم ثبات سیاسی داخلی این کشور و سلطه طالبان، تردد در مرزهای شرقی و افزایش ورود مهاجران به کشورمان قاچاق مواد مخدر را به حد بالایی افزایش داده است. از آنجا که شماری از این مهاجران در گذشته و قبل از ورود به ایران در قاچاق کالا و مواد مخدر دست داشته اند؛ مهاجرت آنها به استان زمینه گسترش اینگونه فعالیت ها را مهیاتر ساخت (بخشی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳۴). ایران به دلیل مجاورت با این کشورها باعث شده است که به عنوان یک مسیر برای ترانزیت مواد مخدر تبدیل شود و مواد مخدر از طریق قاچاقچیان مواد مخدر از طریق مرزهای شمالی ایران به سایر نقاط جهان ترانزیت شود. لذا طبیعی به نظر می‌رسد که به محض عبور و تردد قاچاقچیان مواد مخدر از مرزهای شمالی ایران درگیری‌ها و تنش‌های زیادی در مناطق مرزی ایجاد شود و تلفات جانی و مالی را گسترش دهد و تهدیدهای نارکو تروریسم در مرزهای شمال کشور ایران به شدت افزایش یابد (آقا بابایی، ۱۳۹۶: ۳-۹). استان خراسان رضوی به سبب نزدیکی و همسایگی با کشور

افغانستان از کارکردهای اقتصادی این کشور به طبع تاثیر پذیر خواهد بود. مهمترین کارکرد اقتصادی این کشور که در سطح دنیا مطرح است، کشت و صدور مواد مخدر است که به دلیل همجواری ایران با این کشور و سد راه بودن ایران در مسیر ترانزیت شرق به غرب همواره مرزهای شرقی کشور که مانند سپری در مقابل آماج محموله های قاچاق قرار دارد. مطالعات پیرامون گزارش های کشف مواد مخدر در استان خراسان رضوی چندین نکته حائز اهمیت را نشان می دهد؛ حجم قاچاق مواد مخدر در استان خراسان رضوی بالاست، مرزهای شرقی از جمله مرز تایباد از مهمترین دروازه های ورود مواد مخدر به استان خراسان رضوی است. خطوط ارتباطی این استان با مرکزیت و کشورهای همجوار از مهمترین عوامل قاچاق مواد مخدر از مرزهای استان است که به دلیل فزونی و تنوع کنترل آنها بسیار مشکل است. مجموع این عوامل استان خراسان رضوی را در مسیر ترانزیت بین المللی مواد مخدر قرار داده است (محمدی، ۱۳۹۶: ۴۳). اما گسترش قاچاق مواد مخدر تنها به استان خراسان رضوی محدود نمیشود و آثار این جرم به مراتب در ایالت سیستان و بلوچستان بیشتر است. چرا که حضور بیش از ۱۵۰۰ خانوار با جمعیت ۱۰ هزار نفر از مهاجرین افغانی در شهر زابل از نظر فرهنگی و اجتماعی توسعه نیافته تلقی میشوند، در ترکیب بافت جمعیتی منطقه تغییراتی را باعث شده و بر بسیاری از ناامنی های اجتماعی؛ مثل دزدی، سرقت مسلحانه، گسترش فساد، قاچاق مواد مخدر و غیره دامن زده است. و نه تنها در این استان شاهد قاچاق مواد مخدر هستیم بلکه ورود این افغانها به کشور باعث افزایش قاچاق دیگر محصولات نیز در مرزهای شرقی شده و امنیت را در مرزهای استان سیستان و بلوچستان با تهدید مواجه کرده است. (بزی، ۱۳۹۶: ۲۹-۳۱). بررسی ها نشان می دهد معضلات و مشکلات ناشی از تداوم حضور غیرمجاز در شهر مرزی زابل، همواره به عنوان یکی از دغدغه ها و چالش های اساسی سازمان ها، نهادها و حتی مردم عادی بوده و علی رغم صرف هزینه های هنگفت و با وجود اقدامات متنوع و مختلفی که تا کنون انجام پذیرفته، نتیجه چندان رضایت بخش و راه گشا نبوده است؛ نابسامانی اتباع خارجی و عواقب آن همواره موجب خدشه دار شدن وجهه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد بین المللی و نیز درگیر شدن بخش عظیمی از توان سازمان های مختلف از جمله نیروی انتظامی برای رویارویی با تبعات و عوارض ناشی از این مساله است (ستاره، ۱۳۹۷: ۸۲). در صورت عدم مدیریت، ورود پناهجویان افغان به کشور نه تنها می تواند به بحران جدیدی در داخل کشور منجر شود بلکه، موج تازه ای از پناهجویان افغان که روانه مرز ۹۰۰ کیلومتری ایران خواهند شد می تواند به قاچاق مواد مخدر و انسان

و همچنین افزایش فعالیت‌های تروریستی منجر شود (بهزادی، ۱۴۰۰). مسئله دیگری که ورود و خروج این مهاجران به دنبال دارد این است که اغلب این افراد مخفیانه و به صورت غیرقانونی وارد ایران میشوند و مسئله قاچاق انسان را ایجاد میکنند. علاوه بر این، مهاجرت غیرقانونی به عنوان فعالیت سودآور مطرح میشود. مهاجرت غیرقانونی توسط باندهای تبهکار، سازماندهی میشود. باندهای مستقر در خارج، این کار را به یک فعالیت تجاری بسیار منطقی و منظم تبدیل کرده اند (حاتمی، ۱۴۰۰: ۱۳). بنابراین همین مهاجرت‌ها خود سبب شکل‌گیری و سو استفاده بسیاری از گروه‌های قاچاق انسان شده و قطعاً همین امر برای کشور مهاجر پذیر تبدیل به یک خطر سیاسی و در نتیجه تهدید امنیت ملی میشود. تجارت افغانی کشی را که به معنای ورود غیرقانونی هر کارگر روزمرد از کشور افغانستان تا رسیدن به مقصد برای فروش نیروی کار است مولد چرخش مالی انبوهی می باشد که به فربه شدن شبکه های مافیایی در بازه "اخراج از مرز قانونی و ورود غیرقانونی" منجر شده و در سال ۱۳۹۵ سالانه حداقل ۶۰۰ میلیارد تومان گردش مالی برای آن تخمین زده شده است. کارگزاران این شبکه که مصداق بارز قاچاق انسان است شامل صاحبان سرمایه در کشورهای فرستنده، رانندگان فوق حرفه ای، راه بلدها، راه پاک کن ها، رابطه ها، کارفرمایان در کشور مقصد و ماموران دولتی است و در این فرایند مجموعه وسیعی از فساد و بزه در جریان است (سعیدی، ۱۴۰۰: ۲۰). نا امنی ناشی از حضور اتباع افغانی در کشورمان شامل بسیاری از استانها می شود. بسیاری از مسوولان انتظامی، امنیتی استان کرمان تبعات منفی ناشی از حضور این مهمانان ناخوانده را که اکنون پس از گذشت چندین سال از اسکان آنها در ایران دیگر مهمان ناخوانده نیستند، برای استان کرمان زیادتر از سایر استان ها می دانند و خواستار ساماندهی حضور آنان در این استان هستند. جانشین فرمانده انتظامی استان کرمان با اشاره به اینکه بیش از ۷۰ درصد قربانیان و عوامل جرم نسبت به عواقب جرم آگاهی ندارند، گفت: پدیده قاچاق انسان از این نوع جرایم است. وی افزود: افرادی که در شبکه های قاچاق انسان فعالیت می کنند، فقط به جنبه های مادی موضوع نگاه می کنند و حتی برخی از آنها این کار را شرافتمندانه تر از برخی کارها مانند قاچاق مواد مخدر می دانند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸). تمامی این موارد می تواند امنیت سیاسی کشورمان را با تهدید جدی رو به رو نماید.

۱۰-۳- گسترش تروریسم و شکل‌گیری ایدئولوژی‌های متفاوت:

تروریسم در واقع یکی از مولودهای مواد مخدر است. در جوامع امروزی تروریسم درگیریهایی را به وجود می آورد که هیچ گاه قابل کنترل نیست و کشورهایی که درگیر این مسئله هستند به راحتی به سمت ناامنی و بی ثباتی میروند. مافیای تروریست مواد مخدر (گروههای شورشی و مسلح غیر قانونی) باید راهی را برای استمرار حاکمیت خود در مناطق تحت کنترل پیدا کنند یکی از روشهای کسب درآمد قاچاق مواد مخدر میباشد. گروههای غیر مسلح غیر قانونی و شورشیان از اخذ مالیات، یا حتی از مدیریت فعالیتهای جنایی سازمان یافته بخصوص در بحث قاچاق مواد مخدر درآمد کسب میکنند (عارفی مسکونی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). به طور میانگین در سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۰ نزدیک به ۱۴۰ تن مواد مخدر در سیستان و بلوچستان کشف و ضبط شده است که از این حیث در میان استانهای کشور بیشتر میزان است. در این میان استان کرمان با استان سیستان و بلوچستان بیشترین خط مرزی دارد. واضح است که ورود حجم عظیم مواد مخدر به استان و توزیع این مواد در سطح استان و به تبع آن ورود افراد قاچاقچی که عمدتاً از افراد شرور و مطرود جامعه هستند میتواند چه مسائل و مشکلات امنیتی و ناهنجاریهای اجتماعی را ایجاد کند. به نظر میرسد که عرضه زیاد مواد مخدر در استان کرمان و دسترسی آسان به مواد مخدر علاوه بر خطراتی که برای جوانان و مردم داشته و استعمال کنندگان مواد مخدر را افزایش داده است، تأثیر مستقیمی بر جنبه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی استان کرمان داشته است (ویسی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). بدیهی است یکی از عوامل مهم ورود مواد مخدر به کشور مهاجران افغانی هستند. براساس آخرین آمار کمیساریا در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۸۰۰ هزار و ۲۵ پناهنده در ایران حضور داشتند که از این تعداد ۷۸۰ هزار پناهنده از کشور افغانستان و ۲۰ هزار پناهنده از کشور عراق بوده است. به عبارت دیگر، نزدیک به ۹۵ درصد پناهنده گان در کشور ملیت افغانی دارند. در حال حاضر جمعیت اتباع افغانستان در ایران سه میلیون نفر است که از این میزان ۷۸۰ هزار نفر پناهنده، ۲/۱ تا ۲/۲۵ میلیون مهاجر فاقد مدرک و ۵۸۶ هزار نفر نیز دارای گذرنامه هستند. حال، همزمان با تسلط طالبان بر بیشتر شهرهای افغانستان و افزایش ناامنی ها در این کشور به دست طالبان، موج جدیدی از مهاجرت افغانها آغاز شده که به طور عمده، پاکستان، ایران و ترکیه مقصد اصلی مهاجران افغان است (بهزادی، ۱۴۰۰). به روی کار آمدن طالبان در افغانستان با افزایش عملیات تروریستی همراه بوده است که میتواند برای منافع و امنیت ملی ایران بسیار خطر آفرین باشد. این تهدیدات از یکسو اقداماتی را شامل می شود که منجر به عملیات تروریستی است و از سوی

دیگر به دلیل مسایل قومیتی و پیوندهای قبیله‌ای که در مرزهای شرقی کشورمان با افغانستان وجود دارد احتمال بالا رفتن تنش‌های قومی و افزایش مهاجرت‌هایی از افغانستان به کشورمان را صورت می‌دهد. همین مهاجرت‌ها باعث تشدید قاچاق مواد مخدر و ایجاد چالش جدی برای امنیت کشورمان می‌شود (پهلوانی، ۱۳۹۱: ۲۲). این مساله زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که طالبان می‌تواند یک رقیب بسیار خطرناک ایدئولوژیکی برای ایران به حساب آید چرا که به دلیل اینکه مهاجران دارای ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوتی نسبت به کشور میزبان هستند؛ همین امر می‌تواند زمینه‌ساز عملیات تروریستی در راستای اهداف سیاسی یک گروه و یا یک کشور خاص شود. نمونه بارز آنرا می‌توان در عملیات ۱۱ سپتامبر دید که در ابتدا تمام دیدگاه‌ها حول محور مهاجرانی می‌چرخید که دارای یک دین خاص مانند اسلام یا یک کشور خاص مانند مکزیک و یا یک قاره خاص مانند افریقا و یا یک ناحیه خاص مانند کوزوو بودند (Graham, 2000: 44). در این حمله تروریستی که توسط مهاجران شکل گرفته بود، ۲۷۵۲ آمریکایی کشته شدند. در واقع باید گفت ۵۰۰۰۰ مهاجر غیر قانونی در کشور آمریکا وجود دارد که تمام آنها در لیست کشورهای تروریستی قرار دارند و یا جز کشورهای حامی تروریست هستند (wagner, 2005: 43). بعضی از اینها کسانی هستند که در کشور خودشان جلیقه‌های انتحاری می‌بندند و به کودک خود رحم نمی‌کنند و کارهایی را انجام می‌دهند که در عهد جاهلیت هم منفور شناخته می‌شد (تابناک، ۱۴۰۰). یک دیپلمات سابق ایران در افغانستان، معتقد است که اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در افغانستان و هم‌بینطور سیل مهاجرین آن کشور به‌ویژه جمعیت به قول او «پشتون‌نست» افتاده است، «بخشی از قطعات طرح، نقشه و برنامه‌ی مشترک اندیشه و رزان «طالبان» افغانستانی و پاکستانی است بدون سر و صدا از روی «کاغذ» به اجرای «میدانی» رسیده است. به اعتقاد این دیپلمات سابق، «علاوه بر این که برای تخلیه‌ی مناطق مختلف افغانستان از شیعیان، اهل سنت همسو و هم‌زبان با ایرانیان و تاجیکان و پُر نمودن خانه و زمین‌های ایشان با اتباع هم‌کیش و هم‌نسل پشتونان، برنامه ریزی شده است (انصاف، ۱۴۰۲). بنابراین می‌توان گفت بسیاری از مهاجران غیر قانونی با هدف عملیات تروریستی وارد کشور دیگری می‌شوند. در واقع میتوان اختلافات ایدئولوژیکی بین مهاجران و کشور میزبان را یکی از عوامل شکل‌گیری حملات تروریستی در کشور میزبان قلمداد کرد. هم‌اکنون با توجه به نفوذ طالبان و ایدئولوژی آنها در افغانستان، بنیادگرایی و طالبانیست پتانسیل ایجاد مشکلات امنیتی در نقاط مرزی به ویژه سیستان و بلوچستان را دارا می‌باشد.

از سویی محیط استراتژیک ایران به گونه ای است که افغانستان یکی از مهمترین حلقه های این محیط را شکل میدهد؛ به گونه ای که حتی میتوان اذعان کرد که بعد از جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه ایران یکی از بزرگترین مشکلات امنیتی ایران افغانستان بوده و این مشکل در زمان طالبان به اوج خود رسید، به گونه ای که حتی در مقطعی امکان درگیری نظامی بسیار نزدیک شد. ایدئولوژی هایی نظیر بنیادگرایی، طالبانیسم و... عمدتاً از سوی افغانها کشور ما را تهدید می کند. در واقع یکی از عوامل متعددی که زمینه درگیری ایران در مسائل افغانستان را فراهم نموده است، وجود بیش از دو میلیون نفر مهاجر و پناهنده افغانی در ایران است، این امر می تواند پیوندی با روی کار آمدن گروه قاهر و ماهر طالبان با ایدئولوژی کاملاً متفاوت و برداشتی دیگرگونه از اسلام و حمایت آشکار بیگانگان از استیلای این گروه تا زمان برافتادن ظاهری آنها بیابد که در آن صورت امنیت ملی ایران را تحت شعاع خود قرار می دهد (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). ابعاد اساسی اندیشه سیاسی شامل دو بعد جامعه شناختی و ترکیب ایدئولوژیکی است. در ترکیب ایدئولوژیکی، به میزان مطرح شدن آن در جامعه و نفوذ اندیشه در بین اجتماع توجه دارد. هر چه این نفوذ بیشتر باشد، اندیشه ایدئولوژیکی از استحکام بیشتری برخوردار بوده و میل به قدرت یابی در هواداران بیشتر خواهد بود. تحول در پی ظهور یک اندیشه و رویکرد به سوی آن حاصل میشود و هر چه میزان انسجام ایدئولوژیک بیشتر باشد، نفوذ ایدئولوژی در حوزه های اندیشه دینی و مذهبی بیشتر خود را نشان میدهد؛ از این جهت برخی افراد و یا حتی گروهها تلاش میکنند با استفاده از این ابزار تأثیرگذار به گفتمان سازی در جامعه مورد بحث اقدام نموده و در جهت منافع خود گام بردارند (ساوه درودی، ۱۴۰۰: ۱۵۱). حمایت رهبران متمدن و هابی از گروههای ضد شیعی و نفوذ اندیشه های سلفی و وهابی در مدارس مذهبی ایالت بلوچستان پاکستان و ارتباط رهبران جندالله و جیش العدل با مفتیان وهابی و سلفی باعث شده است تا آنان پشتوانه ایدئولوژیک را برای اقدامات مسلحانه و تروریستی خود ایجاد کنند (ویسی، ۱۳۹۵: ۱۸۰). دیدگاه کپنهاک یک مفهوم مرکزی دارد و آن عبارت است از هویت؛ هرگاه گروهی احساس کند باور و رویه های فرهنگی- اجتماعی اش انکار، مهار، یا دستکاری میشود احساس ناامنی میکند. طبق این دیدگاه بافت هویتی منطقه سیستان و بلوچستان یک بافت هویتی ویژه ای است که میتواند با تحریکات خارجی یا در برای موارد انفعالات داخلی امنیت اجتماعی را در این منطقه و کشور دچار مخاطره سازد. بحث تروریسم تنها به مسائل نظامی و امنیت ملی مرتبط نیست. هر گروه تروریستی

دارای تفکرات و چارچوب عقیدتی خاصی است که پیروان زیادی را می‌تواند در خود جذب کند. استان سیستان و بلوچستان با حدود داشتن ۱۲۵۰ کیلومتر مرز خشکی با کشورهای افغانستان و پاکستان همسایه است که قرارگرفتن در کنار هلال طلایی مواد مخدر تحولات منطقه و اشغال افغانستان توسط قدرت‌های بزرگ باعث شده شاهد بروز و ظهور چالش‌های امنیتی و اخلال در نظم و امنیت مناطق مرزی ایران باشیم (سیمبر، آذین، ۱۳۹۸: ۱۰۲). این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که اغلب مهاجران افغان در شهرهای مرزی ایران همچون سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند و از آنجا که در این شهرها دستگاه‌های تبلیغاتی وهابیت فعال است، این امر می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری برای این مهاجران و ساکنان شهرهای مرزی به دنبال داشته باشد. بنابراین می‌توان حضور طالبان و افزایش مهاجرت اتباع افغان به ایران را به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی سیاسی کشور دانست. چرا که این مهاجران به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی که با کشور ما دارند می‌توانند تنش ایجاد کرده و حتی عملیات تروریستی را رهبری کنند. یکی دیگر از مهمترین تهدیدات امنیتی حضور اتباع افغانستانی در کل کشور و به طور خاص در استان تهران، "حضور اتباع فاقد مدرک" است. بسیاری از مهاجران به دلیل بالا بودن هزینه دریافت ویزا و هزینه سفر هوایی به ایران از مسیر غیررسمی وارد کشور شوند. بعد از تحولات سیاسی تابستان ۱۴۰۰ و قدرت‌گیری طالبان در نظام سیاسی افغانستان بعد از خروج نیروهای غربی از این کشور سیاست رسمی ایران بسته نگاه داشتن ورودی‌های قانونی مرزهای شرقی بوده است اما بررسی‌های میدانی و گزارشات رسانه‌ای نشان می‌دهد که بازار افغانی‌کشی به صورت گسترده‌تری در جریان است و افراد فاقد مدرک هویتی که از شرایط پیش آمده در افغانستان فرار می‌کنند به انحاء مختلف در حال ورود غیرقانونی به ایران هستند. این امر می‌تواند پیوندی با روی کار آمدن گروه قاهر و ماهر طالبان با ایدئولوژی کاملاً متفاوت و برداشتی دیگرگونه از اسلام و حمایت آشکار بیگانگان از استیلای این گروه تا زمان برافتادن ظاهری آنها بیابد که در آن صورت امنیت ملی ایران را تحت شعاع خود قرار می‌دهد (سعیدی، ۱۴۰۰: ۲۰). در بعد بین‌المللی نیز این مهاجران تأثیر منفی و مخربی در افکار عمومی نسبت به جمهوری اسلامی به بار آورده است. در ارتباط با مهاجرین افغانی باید گفت که بر اثر قرار داشتن تحت انقیاد رویه‌های تبعیض آمیز جامعه بزرگتر، جوانان افغانی در ایران را نسبت به مباحث عدالت اجتماعی حساس نموده است. این موضوع می‌تواند از جانب رسانه‌ها و بنگاه‌های خبرپراکنی معارض و معاند به

عنوان یک اهرم فشار قلمداد گشته و به وجهه سیاسی ایران را خدشه وارد کند. (صادقی، ۱۳۸۶: ۵-۱۵). نهادهای حقوق بشر غربی بدون توجه به سابقه طولانی حضور افغان‌ها در ایران و بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور در گزارش‌های حقوق بشری چنین ادعایی را مطرح می‌کنند. آنها مسئله عدم تابعیت کودکان را از موارد نقض حقوق بشر توسط ایران دانسته و بدون کوچکترین اشاره به اینکه مسبب اصلی این امر ایالات متحده و اشغال نظامی افغانستان توسط آمریکا بوده است، ایران را متهم به نقض حقوق کودکان و زنان کرده‌اند (صابر دوست، ۱۳۹۴). برخی از نظریه پردازان بر این باورند که پیامدهای ناشی از ناامنی به وجود آمده از ظهور طالبان در افغانستان میتواند برای کشورهای همسایه می‌تواند چالش‌های زیادی ایجاد کند. در این میان ایران به دلیل داشتن اندیشه شیعه با منفی‌ترین این پیامدها روبه‌رو است. این مساله را می‌توان از این نقطه نظر تشریح کرد که هر چه درجه ناامنی ناشی از طالبان در افغانستان زیاده‌تر شود بر میزان پناهندگان مهاجر به کشورمان افزوده خواهد شد و همین باعث تاثیر گذاری بر اندیشه اهل سنت ایران به واسطه همدردی با این مهاجران شده و امنیت ملی ایران را با چالش مواجه سازد علاوه بر این، دیگر پیامدهای اجتماعی و امنیتی و حتی زیست محیطی این مهاجران برای ایران قابل تامل است (Hunter, 2021: 65).

به صورت کلی باید گفت اتباع افغانی چالش‌های سیاسی و امنیتی برای کشورمان ایجاد کرده‌اند آنچنان که حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی (مجلس دهم) عدم حضور اظهارنامه‌ای و ثبت شده پناهندگان و مهاجران افغانستانی در ایران را خطرناک می‌داند و به خبرآنلاین می‌گوید: «امروز هر ایرانی امکان رصد امنیتی، اقتصادی و اجتماعی دارد، اما برای مهاجران افغانستانی چنین امکانی وجود ندارد، حضور آنها منجر به چالش‌های مختلف شده است، ترکیب جمعیتی را تغییر داده، در بخش عمده موارد، چون حضور آنها ثبت نشده امکان دریافت خدمات مانند تحصیل و خدمات بانکی وجود ندارد، و همه این‌ها منجر به اعتراض می‌شود». نکته نگران‌کننده در اظهارات فلاحت‌پیشه آنجاست که می‌گوید: «بخش بزرگی از کسانی که وارد ایران می‌شوند جزو ارتش افغانستان بوده‌اند، این‌ها واقعیت‌هایی است که جای نگرانی دارد، اگر این آمارها درست باشد یک پنجم جمعیت افغانستان در ایران حضور دارند. از همه مهم‌تر این‌ها که ما با یک موجودیتی به اسم طالبان مواجه هستیم که هیچ کاری را غیر از جنگ خوب بلد نیست، و

کوچکترین مسئله را تبدیل به یک چالش می‌کند، و کوچکترین فیلم یا خبری منتشر می‌شود، بخشی از افغانستانی‌های داخل ایران را به تحریک وادار (اقتصاد ۲۴، ۱۴۰۰).

۴-۱- گسترش خطر پشتون‌یسم در ایران و یکدست سازی ترکیب جمعیت همسایگان

افغانستان از طریق مهاجران هدف اصلی طالبان:

یک دیپلمات سابق ایران در افغانستان، معتقد است که اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در افغانستان و هم‌منظور سیل مهاجرین آن کشور به‌ویژه جمعیت به قول او «پشتون‌یست» افتاده است، «بخشی از قطعات طرح، نقشه و برنامه‌ی مشترک اندیشه و رزان «طالبان» افغانستانی و پاکستانی است بدون سر و صدا از روی «کاغذ» به اجرای «میدانی» رسیده است. دهقان‌فرد همچنین معتقد است که «تغییر قومیتی، جمعیتی و مذهبی ایران از طریق برخی مهاجران، طراحی سرویس‌های فرامنطقه‌ای و همسایگان است». او در این باره چند مورد را یادآور شده است: «دستکاری مصنوعی در ترکیب قبلی و فعلی جمعیت، قومیت و گرایش‌های مذهبی ملت ایران. برنامه ریزی کوتاه و بلندمدت جهت زیر فشار گذاری دولت و حاکمیت در امور مرتبط با تامین معیشت و امنیت ایرانیان، تلاش آشکار و پنهان برای تغییر گرایش‌های مذهبی، همبستگی‌های اجتماعی، نگاه‌های فرهنگی و «دیانت» هموطنان، اقدامات عملی و فعالیت نظری در راستای از هم گسیختن روابط دیرینه، ارتباطات در هم تنیده و محکمت تاریخی و تمدنی شیعه، هدایت گسترده‌ی مبلغان مذاهب «غیررسمی» و اقوام «غیروطنی»، به مناطق عمقی و مرکزی، آنهم با جایدهی آنان در نقاطی «بکر» و «دست نخورده» همچون قم، کازرون، یزد، کرمان و سمنان، بدست گرفتن نبض تولید، تجارت و صنعت و متعاقباً وابسته کردن آحاد ساکنان و مسئولان! به کار، شغل و حرفه‌های اینان در گوشه گوشه‌ی مملکت و..، اینها همگی از معدود کارهای صورت گرفته و یا در حال انجامی است که برخی سرویس‌های اطلاعاتی منطقه‌ای و همسایگان روی دست گرفته و با کمال تاسف اما همچنان، عمدا و یا جهلا، از دید ناظران رسمی و متولیان اصول اعتقادی و فرهنگی کشورمان پنهان مانده است. دیپلمات سابق ایران در افغانستان معتقد است که یکدست سازی ترکیب جمعیتی افغانستان و تغییر قومیتی و مذهبی همسایگان، هدف مشترک طالبان و پاکستان است. او در این باره می‌گوید: «استمرار سیاست دیرینه‌ی تسویه‌ی قومی و فراهم سازی زمینه‌ی اخراج اجباری، خروج داوطلبی و یا فرار ناچاری! صاحبان اصلی از سرزمین اجدادی، ایجاد ترس و وحشت در دل ساکنان مناطق شمالی، جنوبی و مرکزی با انجام انفجارات

انتحاری، اقدامات اختلالی و اتفاقات ارتهایی جهت تخلیه ی بی دردسر مناطق اجدادی، آنهم از طریق مهاجرت‌های داخلی و بیرونی، انتقال بخشی از جمعیت همسوی قبیله‌ای اما ناراضی، به کشورهای پیرامونی با اهدافی همچون تغییر بافت قومی، بهره‌گیری در شرایط اضطراری و بهم‌ریزی اوضاع سیاسی، امنیتی و مذهبی، ترمیم وضعیت اقتصادی، کسب درآمد غیرمستقیم از صدور نیروی کار و کارگری و گذار بدون بروز مشکل از حال و روز فعلی، توقف صدور شناسنامه، گذرنامه و سایر برگه‌های شناسایی برای اعضای سایر اقوام غیر پشتونی و متعاقبا دادن مدارک مشخصاتی به اتباع همسوی وارداتی پاکستانی و برخی دیگر هم مسلکان مذهبی، و نهایتا تاثیر غیر قابل انکار بر سوگیری‌های دینی، رسم و رسومات تمدنی و قوانین مدنی ساکنان همسایه‌های غربی و شمالی و ایرانی...، گوشه‌ای از طرح و برنامه‌هایی است که طی ۲۱ سال حضور اشغالگران خارجی در این کشور مسلمان، به سران ماموریت یافته‌ی فعلی افغانستان تعلیم و آموزش داده شده و روش اجرای با واسطه‌ی آن نیز به آنان منتقل شده است! «دهقان‌فرد قوم «پشتونان» افغانستانی را یادآور «محمود افغان» پشتون تبار و «نسل‌کشی‌های وسیع وی و همراهان از مردمان خراسان و کرمان تا ساکنان یزد و اصفهان» خوانده و می‌گوید که اگر کسی از شما درباره‌ی پشتون‌ها پرسد «قطعا از «چند میلیون» اتباع محترم مهاجری سخن خواهید گفت که بدون «مجوز قانونی» و «اجازه‌ی رسمی»، بصورت قبیله‌ای و خانوادگی!، از مرزها عبور و بی هیچ گونه مدرک شناسایی و هویتی!، ضمن پراکندگی در تمام نقاط، و حتی قلب مراکز حساس کشور و با خیال خیلی راحت حضور دارند». او با اشاره به تحت تحریم اقتصادی بودن ایران و همزمان میزبانی بالاترین تعداد اتباع با اکثریت غیرمجاز افغانستانی، می‌گوید: شما هیچ منطقه‌ای از جهان کنونی، قبلی و آتی را پیدا نکرده و نخواهید کرد که چندین میلیون اتباع کشورهای دیگری، با سابقه‌ی تربیت تروریست‌های بین‌المللی، تولید بالاترین مواد افیونی و دشمنی‌های زبانی، رفتاری و عملی ماموران امنیتی، سران اصلی و مدیران سیاسی آن نسبت به کشور و مردمانش را شاهد بوده، اما اجازه دهد آنان در تمام نقاط مرزی، عمقی و حتی حساس سرزمینی وارد و همواره از ایشان پذیرایی کند، جز کشوری بنام ایران و مسئولان آن! وزیر کشور به ایسنا گفته بود که جمعیت مهاجرین افغانستانی در ایران بالای پنج میلیون نفر است. دهقان‌فرد درباره‌ی مهاجرین می‌گوید: با تکیه بر تمام معیارهای کارشناسی، بررسی‌های جامع سیاسی و روابط حاکم بر اصول اساسی امنیتی، فرهنگی، مذهبی و دیپلماسی عرض می‌کنیم، بخشی از مهاجرین حاضر در نقاط

مختلف کشور، نه تنها برای امور کارایی، کارگری و یا از سر ناچاری وارد نشده‌اند بلکه «قطعا» با اهدافی همچون براندازی، تغییر در ترکیب جمعیت و مذهب رسمی، جاسوسی از شخصیت‌های دسترسی دار نظامی، هسته‌ای، علمی و امنیتی و مشارکت در فتنه‌های آتی وارد مناطق عمقی و مرکزی شده‌اند. این البته، حال و روز تمام ممالکی است که با تردد افراد بیگانه از مرزهایش به سادگی برخورد کرده، اجزای حضور بدون واریسی دقیق اتباع خارجی را در نزدیک ترین نقطه به مراکز حساسش صادر کرده، و از کنار هشدار دلسوزان داخلی و دلدادگان واقعی در باره‌ی لزوم داشتن حساسیت بیشتر در حفاظت از منافع ملی و عمومی، ساده لوحانه عبور می‌فرمایند (انصاف، ۱۴۰۲).

۱۱- فرصت‌های سیاسی مهاجران افغانستانی برای جمهوری اسلامی ایران

اگرچه مهاجرت و تبعاتی که به دنبال دارد می‌تواند در مدت کوتاهی برای کشور میزبان مشکلات سیاسی - امنیتی، اجتماعی و اقتصادی مهمی را ایجاد کند اما طبق مطالعات انجام شده ثابت شده است که مهاجرت در طولانی مدت می‌تواند زمینه پیوند و روابط دو کشور را بهبود بخشد. افزایش نیروی کار جوان که به دلیل ورود مهاجران به کشور مقصد شکل می‌گیرد، قدرت سیاسی و اقتصادی آن کشور در مقابل دیگر کشورها افزایش یافته و می‌تواند روند توسعه و نوسازی را در کشور میزبان سرعت بخشد. و ظرفیت‌های زیادی را برای پیشرفت کشور ایجاد کرده و جایگاه آن را در برابر دیگر کشورها ارتقا بخشد (Dustmann, Frattini & Halls, 2010: 36). و مهم تر از همه امکان هم افزایی قدرت نرم دو کشور را فراهم آورد. هم افزایی یک تعامل یا همکاری است که باعث ایجاد یک کل می‌شود که از مجموع ساده قطعات آن بیشتر است. مهاجران افغان در کشور ایران با وجود مشکلات و مخاطراتی نظیر افزایش جرم و جنایت، اشغال بازار کار و سرمایه و... که به همراه داشته است، همکاری بین دو کشور را افزایش داده است و امکانات و ظرفیتهایی برای پیشرفت فراهم کرده است. میتوان به این مساله به صورت یک فرصت نگریست و از ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی و فردی مهاجران برای بهبود وضعیت دو کشور، و تحکیم پیوند ایران و افغانستان استفاده کرد. مطالعه تاریخیچه کشورهای توسعه یافته مهاجر پذیر به خوبی حاکی از اهمیت و امکان استفاده از چنین فرصتی است (شرف، فاضلی، ۱۴۰۰: ۲۱۳-۲۲۴). در حال حاضر استفاده از قدرت نرم از اهداف مهم سیاسی کشورها شمرده می‌شود. قدرت نرم در سلسله مراتب مباحث سیاسی در امور خارجه کشورها حائز اهمیت زیادی

است. به ویژه در بحث سیاست خارجی در حوزه بین الملل می توان نقش آن را به خوبی درک کرد. شاخص های مهم در قدرت نرم فرهنگ، قدرت اقتصادی و ارزش های سیاسی و سیاست خارجی است (Jr, 2004: 349). می توان گفت مهاجرت در حال حاضر یکی از ابعاد مهم در روابط دیپلماتیک در بین کشورها شده است. می توان از کشورهایی مانند آمریکا، کانادا، استرالیا و.. نام برد که از پدیده مهاجرت به عنوان یک فرصت در راستای قدرت نرم بهره برده اند. کشوری که می تواند مهاجران بیشتری بپذیرد توانایی تاثیر گذاری بیشتری بر افکار عمومی مردم دارد و می تواند ارزش ها و فرهنگ خود را به فرای مرزهای خود بفرستد (Adamson & Tsourapas, 2019: 870). حفظ یکپارچگی دولت، گسترش ارزشها، ایده ها، ایجاد رونق اقتصادی، ارتقای امنیت ملی، حمایت از وجهه ملی و توسعه قدرت اهداف مشترکی است که تمامی حکومتها متناسب با امکانات خودشان، تلاش میکنند به آنها برسند اما میزان موفقیت شان ارتباط مستقیم با سطح توسعه و قدرت نرم بین المللی شان دارد. بنابراین می توان گفت بهره بردن از مهاجران توسط کشورهای میزبان در سیاست های خارجی خود در حوزه منطقه ای بسیار گسترش پیدا کرده است. کشورها با استفاده از نیروی مهاجر برای کشور خود اقدام به فرصت سازی در فرای مرزهای خود می کنند. درمورد مهاجران افغانی در ایران نیز باید گفت طبق گزارش های مختلفی حاکی از استخدام شدن این نیروها در جنگ سوریه توسط جمهوری اسلامی ایران دارد (rasmussen, Guardian, 2016: 56) محمدرضا بهرامی، سفیر ایران در افغانستان گفت: «اتباع افغانستان که در سوریه هستند، فقط از ایران نرفته اند؛ تعدادی از آنان افغانانی بودند که از سال ها قبل در سوریه اقامت داشتند، تعدادی شان هم از کشورهای دیگر رفته اند، تعدادی هم از طریق ایران رفته اند، آنچه که مهم است این است که از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران هیچ گاهی سیاست اجبار برای اعزام اتباع افغانستان به سوریه به هیچ وجه وجود نداشته است.» (طلوع نیوز، ۱۳۹۵). اگرچه بسیاری از آمارهایی که داده شده باهم تناقض دارند اما مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی ایران نقش این پناهندگان در نبردهای منطقه ای را به صورت دوفاکتو تایید کردند. علاوه بر این موضوع بسیاری بر این اعتقادند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد پناهندگان افغانستانی نشان از فرصت سازی این پناهندگان در زمینه قدرت چانه زنی ژئوپلیتیک در مسایلی مانند کاهش تحریم ها، بازی با کارت پناهندگان افغان و همچنین مبارزه با هژمونی منطقه ای آمریکا در منطقه شده است (Christenesen, 2016: 3035). حضور اتباع افغانستانی در ایران می تواند در زمینه

ایجاد روابط بهتر با دیگر کشورهای منطقه برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌های بهتری ایجاد کند. ایجاد ظرفیتهای دیپلماتیک، تقویت روابط فرهنگی و سیاسی دو کشور و تعامل با سازمانهای بین‌المللی و اشباع بازار کار در زمره فرصتها دانست (حاتمی، ۱۴۰۰: ۱۳). به بیان عده‌ای از سیاستگذاران و نظریه پردازان، با توجه به حجم بالای مهاجران افغانستانی در ایران میتوان از این فرصت در جهت تقویت روابط دیپلماتیک میان دو کشور و همسویی در سیاستهای بین‌المللی استفاده کرد. همچنین با وجود حجم بالای مهاجران افغانستانی در ایران، میتوان از این ظرفیت برای ایجاد چهره مثبت و بشردوستانه از جمهوری اسلامی ایران نزد افکار عمومی جهان و سازمانهای بین‌المللی بهره‌برد (شیخ غفوری، ببری گنبد، دهشیر، ۱۳۹۹: ۳۳). حضور اتباع افغانستانی می‌تواند باعث تقویت روابط فرهنگی و سیاسی دو کشور شود چرا که با توجه به این مسئله که بسیاری از اختلافات موجود بین دو کشور ناشی از سوءتفاهمها و برداشتهای غلط هست، میتوان با استفاده از ظرفیت حضور مهاجرین افغانستانی در کشور، نسبت به حل این معضل در دو حوزه اقدام نمود؛ حوزه تبلیغ و حوزه توجه ویژه به ارتباط مناسب با نخبگان مهاجر افغانستانی در حوزه تبلیغ میتوان گفت برخی از مهاجرین افغانستانی که پس از مدتی اقامت در ایران به کشور خویش بازمیگردند، میتوانند به عنوان معرفی‌کنندگان فرهنگ ایرانی و تبیین‌کنندگان ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی افغانستان نقش ایفا کنند و با اقدام دشمنان جمهوری اسلامی در تبلیغ منفی و غلط از ایران مقابله نموده، از شکل‌گیری نگاه منفی به ایران در افکار عمومی افغانستان جلوگیری نمایند. متأسفانه در سالهای اخیر، راهپیماییهای زیادی علیه سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در افغانستان تشکیل شده است. در حوزه توجه ویژه به ارتباط با نخبگان سیاسی و اجتماعی باید اشاره نمود که بسیاری از فارغ‌التحصیلان افغانستانی دانشگاههای ایرانی هنگام بازگشت به افغانستان، در پستهای مدیریتی و سیاستگذاری کلان مشغول به کار میشوند و یا در جایگاههای تأثیرگذار نقش آفرینی میکنند که در صورت برنامه‌ریزی صحیح میتوان از این ظرفیت برای حل سوءتفاهم‌های موجود آمده و حل اختلافات استفاده نمود. لازم به ذکر است که متأسفانه اکثر فارغ‌التحصیلان افغانستانی دانشگاههای کشور علیرغم استفاده از امکانات ایران، هنگام بازگشت به کشور خود نگاه مثبتی به ایران ندارند و به تبلیغ علیه سیاستهای ایران می‌پردازند که ناشی از عدم ارتباط صحیح و مناسب با این عزیزان است (مهرعلیان، موسوی، محرم‌خانی، ۱۳۹۹: ۴).

نتیجه گیری:

بررسی و شناسایی نقاط قوت و ضعف و تشخیص فرصتها و درک تهدیدات، از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر امنیت ملی کشورها است. از این رو کشف و استخراج متغیرهای چهارگانه مذکور ارتباط نزدیکی با کاهش و حتی از میان رفتن امنیت ملی و ادامه ترفند سیاسی واحدهای سیاسی مستقل دارد. با توجه به این موضوع، بررسی و پژوهش درباره نقاط قوت و ضعفها و نیز فرصتها و تهدیدات فعلی و احتمالی نظام جمهوری اسلامی اهمیت زیادی پیدا میکند. گرچه همانطور که اشاره شد آمار واحد و قابل اتکایی از تعداد مهاجرین افغانستانی در کشور اعلام نشده، اما آنچه مسلم است، جمعیت میلیونی و اثرگذار مهاجرین افغانستانی و لزوم توجه به این پدیده میباشد؛ به طوریکه لازم است سیاستگذاران و مدیران امنیتی کشور نسبت به تهدیدها و فرصتهایی که از قبال این پدیده متوجه امنیت ملی کشور میشود، توجه ویژه ای نمایند. در این فصل به بررسی تهدیدات و فرصت های سیاسی حاصل از حضور اتباع افغانستانی در کشورمان پرداختیم. همانگونه که به صورت مفصل بدان پرداختیم حضور این مهاجران می تواند پیامدهای مثبت و منفی برای کشورمان داشته باشد. از پیامدهای منفی برای امنیت سیاسی کشورمان افزایش قاچاق مواد مخدر و انسان، افزایش گروهها و عملیات تروریستی در کشور، تشتت ایدئولوژی و افزایش هرج و مرج در مناطق مرزی و دیگر نقاط کشور و همچنین ایجاد فرصت برای رسانه های خارجی و معاند در راستای کوشش برای ایجاد یک چهره منفی از ایران در افکار عمومی می باشد. اما فرصت هایی نیز که باید به آن اشاره کرد افزایش ظرفیت های دیپلماتیک و روابط سیاسی با افغانستان و دیگر کشورها و همچنین سازمان های منطقه ای و در نتیجه افزایش قدرت سیاسی و دیپلماتیک کشورمان خواهد شد. همچنین بسیاری از این مهاجران میتوانند به عنوان معرفی کنندگان فرهنگ ایرانی و تبیین کنندگان ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی افغانستان نقش ایفا کنند و با اقدام دشمنان جمهوری اسلامی در تبلیغ منفی و غلط از ایران مقابله نموده، از شکل گیری نگاه منفی به ایران در افکار عمومی افغانستان جلوگیری نمایند. و همین امر نیز باعث افزایش قدرت کشورمان در منطقه خواهد شد. بنابراین لازم است دستگاه دیپلماسی و سیاستگذاری کشورمان تهدیدات و فرصت های مربوط به این مهاجران و موارد مربوط به آنها را شناسایی کرده و از فرصت های حاصل از آن در سیاستگذاری های خود بهره برده و از سوی دیگر تهدیدات را کاهش و یا حتی آنها را تبدیل به فرصت نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر؛ احمدی فشارکی، حسنعلی(۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاک، پژوهش های راهبردی سیاست، ۵(۱۸)، ۱۴۱-۱۲۳.
- انصاف(۱۴۰۲). گسیل سازمان یافته چندین میلیون اتباع پشتونیسست به ایران، قابل دسترس در: <http://www.ensafnews.com/420168>
- بخشی، احمد و همکاران(۱۳۹۲). بررسی علل وجودی قاچاق کالا، سوخت و مواد مخدر بین ایران و افغانستان و تاثیر آن بر امنیت خراسان جنوبی، همایش ملی خراسان جنوبی، نظم و امنیت، دانشگاه بیرجند.
- بهرامی، محسن؛ قاسمی، بهروز(۱۳۸۵). آسیب شناسی قاچاق کالا در ایران، تهران، انتشارات فارابی.
- بهبزادی، فهیمه(۱۴۰۰). تبعات قدرت یابی طالبان بر امنیت اقتصادی ایران، قابل دسترس در: <https://imobs.ir/publication/show>
- پهلوانی، مهرداد(۱۳۹۱). رویکرد بازیگران موثر در افغانستان؛ چالشی در برابر مذاکرات صلح با طالبان، سیاست خارجی، ۲۶(۳)، ۷۱۱-۷۴۲.
- تابناک(۱۴۰۰). هشدار درباره ورود پناهندگان افغان به ایران، قابل دسترس در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/1084979>
- حاتمی، محمدرضا(۱۴۰۰). سیاستگذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در ج.ا.ا، پژوهش های جهان اسلام، ۱۱(۱)، ۱-۱۷
- خبرگزاری جمهوری اسلامی(۱۴۰۲). افزایش تعدا مهاجران افغانستانی پس از ۱۴۰۰ یک حقیقت است، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/85262255>
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش اختصاصی ایرنا از پیامدهای حضور افغانه در ایران، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/7293853>
- دهدار، محمدمهدی(۱۴۰۲). ایران چه تعداد مهاجر غیر قانونی را اخراج می کند، قابل دسترس در: <https://diaran.ir/12873>
- ذوالفقاری، حسین(۱۳۹۶). تاثیر مهاجرت غیر قانونی بر امنیت مرزها(مطالعه موردی مرزهای جنوب شرق کشور)، پژوهشنامه مطالعات مرزی، ۵(۳)، ۱۶۲-۱۲۸.
- رهبر، عباسعلی؛ سوری، فرزاد(۱۳۹۵). دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی، دولت پژوهی، ۲(۵)، ۱۳۳-۱۰۱.

- ساوه درودی، مصطفی (۱۴۰۰). ظهور مجدد طالبان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران، ۷(۳)، ۱۷۰-۱۴۵.
- ستاره، جلال (۱۳۹۷)، علل و پیامدهای مهاجرت افغان‌ها به ایران (مورد مطالعه: شهر مرزی زابل)، پژوهش نامه مطالعات مرزی، ۶(۳)، ۱۰۷-۷۹.
- سلیمی، رزگار (۱۴۰۲). آخرین آمار مهاجرت از افغانستان به ایران (نیمه اول سال ۲۰۲۳)، قابل دسترس در: <https://diaran.ir/12335>
- سیمبر، رضا؛ آذین، صدیقه (۱۳۹۸). چالش‌های امنیتی سیستان و بلوچستان به دنبال حضور طالبان و داعش در افغانستان، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، ۲(۸)، ۱۳۰-۹۱.
- شرف، محمدرضا، فاضلی، حبیب‌الله (۱۴۰۰)، مهاجران و ظرفیت‌های پیشرفت؛ هم‌افزایی قدرت نرم ایران و افغانستان، مطالعات قدرت نرم، ۱۰(۲)، ۲۴۴-۲۱۱.
- شیخ‌غفوری، هادی؛ بری‌گنبد، سکینه؛ دهشیار، حسین (۱۳۹۹). تبیین چگونگی غیرامنیتی سازی روابط ایران و افغانستان سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲(۴)، ۴۹-۲۵.
- صابر دوست، مهناز (۱۳۹۴). آسیب و آثار مهاجرت غیر قانونی افغانها به ایران، قابل دسترس در: <https://www.mizanonline.ir/fa/news>
- صادقی، فاطمه (۱۳۸۶)، مقالات ویژه: دولت ایران و مهاجرین افغان: تغییر سیاست و تحول هویت، گفتگو، ۵۰.
- صفری راد، علی؛ نارگانی، شهاب (۱۳۹۹). آینده پژوهی پیامدهای آمایشی و امنیتی ناشی از مهاجرت به شهرهای استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۱۰(۳۸)، ۷۲-۴۹.
- طلوع نیوز (۱۳۹۵). فرستادن مهاجران افغانستان به جنگ سوریه از سوی ایران، قابل دسترس در: <https://tolonews.com/fa/afghanistan>
- عارفی مسکونی، محمد و همکاران (۱۳۹۸). تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹(۳)، ۱۲۳-۱۰۵.
- عزیزی، حسین (۱۳۹۷)، بررسی تأثیرات حضور اتباع بیگانه در امنیت کشور با تأکید بر اتباع افغانی، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۹۰-۱۷۲.
- لطفی، حیدر (۱۳۹۸). چالش‌های امنیت ملی در مرزهای ایران و ترکیه. مطالعه موردی: اقتصاد مرزی مرز بازرگان، مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۱۱(۳۹)، ۱۱۰-۹۱.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- محمدی، پیمان (۱۳۹۶). بررسی و شناسایی عوامل جغرافیایی موثر در قاچاق مواد مخدر از مرزهای بین المللی استان خراسان رضوی، دانش انتظامی خراسان رضوی، ۹(۳۶)، ۲۱-۵۴.
- محمدی، یدالله و همکاران (۱۳۹۸). علل و ویژگیهای مهاجرت اتباع افغانستان به ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، ۱۳(۴۹)، ۸۶-۶۵.
- مک داویل، دان (۱۳۸۴). پیش بینی استراتژیک و کاربرد آن در ترسیم وضعیت مهاجران، ترجمه محمود کلاه چیان، تهران: مطالعات راهبردی.
- مهرعلیان، پروین؛ موسوی، محمد؛ محرم خانی، فریبرز (۱۳۹۹). بررسی تهدیدها و فرصت‌های حضور مهاجران افغانستانی در ایران، دومین کنفرانس بین المللی و سومین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، اسفند.
- ویسی، هادی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان کرمان)، تحقیقات جغرافیایی، ۳۱(۱)، ۱۸۵-۱۷۰.
- Adamson, F. B., & Tsourapas, G. (2019). Migration diplomacy in world politics. *International Studies Perspectives*, 20(2), 113-128.
- Buzan, Barry (1998); *Security: A Framework for Analysis*, Boulder: Lynne Rienner.
- Christensen, Janne Bjerre (2016), GUESTS OR TRASH, Iran's precarious policies towards the Afghan refugees in the wake of sanctions and regional wars, *Danish Institute for International Studies*, 120.
- Hunter, Shireen (2021), "How Iran may be impacted by Taliban rule", Available on site: <https://responsiblestatecraft.org>
- Nye Jr, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics: Public affairs*
- Spyrou, Spyros & Christou, Miranda. (2014). Introduction. In Spyros Spyrou & Miranda Christou (Eds). *Children and borders*. Palgrave Macmillan UK.
- Wagner, P. F. (2005); "The Dark Side of Illegal Immigration", teak from internet: www.usillegalaliens.com